**بیانیه عام و خاص**

**پست مدرنیسم نادر اردلان**

**بیانیه عام نادر اردلان (پست مدرن)**

پست مدرنیسم **گسترده ترین تاثیرش** را در دهه های 1960و 1970 در مهم ترین هنر اجتماعی ،‌یعنی **معماری** ، بر جای گذاشت. بنیان این تاثیر در سال 1961 با کتاب بی نظیر خانم **جین جیکوبز** به نام **"مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا"** نهاده شد. جیکوبز به جنبش ارتدوکس[[1]](#footnote-1) اصلاحات شهری آن زمان ، که در آن مدرنیسم با سیاست های دولت رفاه دست به دست هم داده بودند تا برای فقرا مجتمع های مسکونی تک نفره بسازند حمله کرد.

**چالرز جکنز[[2]](#footnote-2)** معمار و نویسنده در زمینه معماری **نخستین** کسی بود که در سال 1975 اصطلاح پست مدرن را به معنی جدایی از مدرنیست به کار برد. کتاب او به نام **زبان معماری پست مدرن** در سال 1977 وی را به **مشهور ترین** شارح وتحلیل گر پست مدرنیسم و تحولات آن در معماری تبدیل کرد.

بساری افراد تمایل چندانی ندارند که تاریخ دقیق عصر پست مدرن را مشخص سازند و به گونه ای رمز آلود اظهار میدارند که:

"البته پست مدرنیسم بیشتر یک حالت یا وضعیت ذهنی و اندیشگی است تا یک حادثه تاریخی مشخص"

**چالرز جکنز** بر خلاف این افراد معتقد است که پست مدرنیست در معماری درست در ساعت سه و سی و دو دقیقه بعد از طهر روز پونزده ژوئیه 1972 با **مرگ ناگهانی عصر مدرن در معماری** ، پا به عصر وجود نهاد ، یعنی زمانی که پروژه عظیم **توسعه مسکن پروئیت -ایگو[[3]](#footnote-3)** در سن لویس به عنوان محیطی نا مناسب برای سکونت افراد کم در امدی که در آن اسکان داده شده بودند با دینامیت منفجر گردید آغاز شد. پروژه ای که زمانی از آن به عنوان کامل ترین ماشین مدرن برای زندگی یاد میشد.

چالرز جکنز:تا به امروز من پست مدرنیسم را همانطور تعریف میکنم که در سال 1987 به عنوان یک **رمزگان دوگانه[[4]](#footnote-4)** تعریف میکردم ، یعنی **ترکیبی از تکنیک های مدرن با چیز دیگری (معمولا ساختمان سنتی)** به این منظور که معماری با مردم و اقلیت ذی علاقه ، که معمولا سایر معمارانند ارتباط برقرار کنند.چون معماری مدرن قادر نبود با استفاده کنندگان نهایی اش ارتباط موثر برقرار کند من راه حلی را به عنوان پست مدرن ملاحظه و تعریف کردم:نوعی معماری که هم متانت حرفه ای داشت ، هم خصلت مردمی و به علاوه هم برا تکنیک های جدید استوار بود و هم برا الگوهای قدیمی.

پست مدرنیسم از معنای ماهوی دوگانه ای برخوردار است :**تداوم مدرنیسم** و **فرا رفتن از آن**

**انگیزه اصلی معماری پست مدرن** آشکارا همان **شکست اجتماعی معماری مدرن** ، مرگ اسطوره ای آن است که طی ده سال مکررا اعلام شده است.

**رابرت ونتوری[[5]](#footnote-5)** (1925) معمار ساکن فیلادلفیا با کتاب **پیچیدیگی و تضاد در معماری** در سال 1966 به روند پایان بخشیدن به معماری مدرن تحرک بخشید. ونتوری در مقابل شعار مدرنیستی "کمتر بیشتر است"(یعنی تزیینات و کثرت سبک باید حذف شوند)، شعار **"کمتر کسل کننده است"** را بیان کرد.

مشخصه معماری ونتوری التقاط گری و امتناع از طرد معماری تجارتی مردم پسند به عنوان یک معماری ذاتا عامیانه است.هدف او این نیست که کثرت گرایی را جایگزین وحدت سبک کند ، بلکه به نفع اشکالی از وحدت استدلال میکند که از سادگی کمتر . پیچیدگی بیشتر بخوردارند و چیزی را می سازند که او آنرا **"کل غامض"** مینامند. یعنی ساختمان هایی که به جای کوشش برای غلبه بر تنش درونی ، آنرا تقویت میکند همین رویکرد است که بعد ها پست مدرنیست نامیده شد.

ونتوری بعدا اصول خویش را در **کتاب درس آموزی از لاس وگاس** 1972 به کار برد.

رابرت ونتوری در کتاب پیچیدگی و تضاد در معماری میگوید :

-من پیچیدگی و تضاد در معماری را دوس دارم.

- من عدم انسجام و خود سری معماری ناشیانه یا پیچیدگی های تصنعی جاذبه تصویری یا اکسپرسیونیسم را دوست ندارم ف بلکه بر عکس از یک معماری پیچیده و تضاد مبتنی بر غنا و ابهام تجربه مدرن ، از جمله آن تجربه ای که ذاتی هنر سخن میگویم

- من بیشتر طرفدار غنای معنا هستم تا وضوح معنا، من هم از نقش ضمنی و هم از نقش صریح طرفداری میکنم.

- یک معماری موجه سطوح بسیاری از معنا و ترکیب های مختلفی از تمرکز را طلب میکند ، فضا و عناصر آن در آن واحد به طرق متعددی خوانا و کارا هستند

مدرنیست ها معماری را یک مسئله ی تکنولوژیک می دانستند. ولی پست مدرنیست ها به **معماری یک نگرش فرهنگی** دارند و فرهنگ در هر منطقه متفاوت با سایر مناطق است.از نظر معماری پست مدرن مسائلی که باید فرم ساختمان را مشخص کند به صورت مختصر عبارتند از: **خصوصیات فرهنگی،اجتماعی،تاریخی و اقتصادی** افرادی که از آن ساختمان استفاده می کنند.، خصوصیات شهری،خیابان،میدان،کوچه،مغازه.، شرایط اقلیمی، رطوبت، سرما، گرما، جنگل، صحرا.، نحوه زندگی روزمره اهالی ساختمان.  
در اکثر کارهای **معماران پست مدرن** مشاهده می شود که آنها سعی دارند تا از **نشانه ها و نمادهایی** استفاده کنند که در هر منطقه مشخص کننده نوع کاربری آن ساختمان است.

یک ساختمان نمیتواند تمام تاثیرات مثبت را در بر گیرد و تمام تاثیرات منفی موثر بر انسان را قطع کند مگر اینکه خود به طرز ظریف و دقیق جزو محیطی باشد که از آن برمیخیزد.

لویی کان[[6]](#footnote-6) بر این عقیده است که از طریق هنر می تواند معنا و مفهوم نظم آشکار شود.

* احساس ترکیب در کل بنا
* استفاده از مواد و مصالح ساختمانی متناسب با طبیعت آنها
* احساس فضای معماری به عنوان هدف اصلی
* اهمیت نور به منزله بخشی از طرح
* تناسب ها و ارتباط های معمارانه

لویی کان میگوید:

"لوکوربوزیه معلم من بود ولی این را خودش نمیدانست-تاثیر از کارهای بتن مسلح و عریان بودن ساختمان.

سنتی بودن در معماری مانند سایر موارد به این معنا نیست که گذشته را دوباره تجدید کنیم بلکه باید از آن با امکانات معاصر استفاده کنیم.

تکنولوژی شگفت انگیز است و باید بخشی از انگیزه حرفه ای ما شود. اگر یک ساختمان بتواند به تکنولوژی الهام دهد بی اندازه با ارزش است.( لامپونیانی، ویتوریو مانیاگو، دانشنامه معماری قرن بیستم، ۱۳۸۲، ترجمه ضیاءالدین جاوید. امتداد. تهران. چاپ نخست.)

تجدد طلبان متقدم می خواستند اندیشه ایرانی را غربی و متجدد کنند روشنفکران متاخر با درک بسیار نازلی از تمدن غرب در صدد درامدند تا اندیشه غربی را ایرانی کنند:بدین اعتبار **تجدد طلبی ایرانیان** را می توان از آغاز تا به امروز به سه دوره تاریخی تقسیم بندی کرد:**دوره غربی کردن اندیشه و فکر ایرانی(دوره پهلوی اول)**، **دوره ایرانی کردن اندیشه غربی(دوره پهلوی دوم)** ،**دوره تزلزل بین سنت و تجدد یا دوره نگاه به سنت از منظر ایدئولوژی تجدد(دوره جمهوری اسلامی)**.

نوسازی ایران در زمان رضاشاه مصادف با شکل گیری نسل اول معماران ایران است.این معماران زمانی گام در معماری گذاشتند که اکثر بناها به دست معماران سنتی و با میراث معماری و تکنولوژی سنتی ساخته می شدند.لذا عمده هدف این معماران بر تغییر گفتمان سنتی(ساخت و ساز)به شیوه مدرن قرار گرفت.به زعم راقم این سطور اگر بخواهیم آغازی برای معماری معاصر ایران قائل شویم به نظر می رسد شکل گیری نسل اول معماران ایران می تواند شروع خوبی برای آن باشد.چراکه عمده دغدغه نسل اول معماران ایران گرایش به معماری مدرنیستی اروپایی و ترویج آن در ایران دوره پهلوی اول و دوم بوده لذا مدرنیزاسیون معماری ایران ریشه در کارها و اندیشه های این معماران داشته است.

عمده دغدغه پیشگامان نسل دوم معماران ایران و فرزندان خلف آنها یعنی متاخران نسل **دوم آشتی دادن سنت با مباحث و تحولات معماری مدرن** بوده است.البته این سخن عمدتا شامل کارها و اندیشه های فارغ التحصیلان دانشگاه تهران است.

دغدغه های روشنفکران دهه های 1340و1350 خورشیدی ایران گونه ای گرایش به بوم گرایی فرهنگی بود.هم سو با این اندیشمندان معماران نیز در جستجوی یافتن**"معماری خودی"** شکل گرفت چیزی نبود مگر معماری **مدرن در ترکیب با گرایش به بوم گرایی و به تبع آن تاریخ گرایی** برای این معماران معنای وسیع و پویایی داشت.بوم گرایی را در گسترده ترین معنا میتوان آموزه ای دانست که خواستار باز آمدن باز آوردن یا تداوم رسوم باور ها و ارزش های فرهنگ بومی است.بوم گرایی در باور هایی همچون مقاومت در برابر فرهنگ غیر خودی، ارج نهادن به هویت (اصیل)و راستین قومی خویش و آرزوی بازگشت به (سنت فرهنگی آلوده نشده بومی)ریشه دارد.و این نکته را نیز نباید فراموش نمود که گرایش به تاریخ گرایی و بومگرایی معماران پیشگام نسل دوم نه از طریق آموزه های نظری اندیشمندان پست مدرن همچون رابرت ونتوری و چالرز جکنس که از طریق پروژه ها وکارهای اجرا شده معمارانی نظیر **لویی کان** ، **آلوار آلتو[[7]](#footnote-7)** ، **جیمز استرلینگ[[8]](#footnote-8)** و مباحث مطرح شده **حسن فتحی** در کتاب **معماری برای فقرا** به وقوع پیوست

یکی از دوران های شاخص **تلفیق معماری غرب و ایران** از آغاز دهه سی و عمدتا دهه چهل و پنجاه شمسی و در زمان **پهلوی دوم** بوده است. در این زمان تعدادی از معماران برجسته همچون **هوشنگ سیحون**، نادر اردلان، کامران دیبا و.. ساختمان های ارزشمندی را طراحی کردند که در آن به شیوه ای بدیع و زیبا ، تلفیق این دو معماری کاملا متفاوت صورت پذیرفت. هوشنگ سیحون در این باره می­گوید: "**ما سعی کردیم که در ایران معماری مدرن داشته باشیم، ولی مدرنی که حال و هوای گذشته ایران در آن تبلور داشته باشد**."

همان گونه که اشاره شد از شخصیت های برجسته معماری پست مدرن در ایران می­توان به نادر اردلان اشاره کرد. که از جمله معماران تحصیل کرده از فرنگ برگشته در دوران شکل گیری **معماری نوگرایی ایرانی** بود. اردلان را می­توان به عنوان **نظریه پرداز** این سبک قلمداد کرد. از ویژگی­های سبک نوگرایی ایرانی می­توان به **استمرار معماری سنتی** ایران که به صورت شفاف و هنرمندانه ای در شکل کالبدی بنا لجاظ شده است اشاره کرد همچنین اصول نظری و شکلی این سبک معماری بر دو **پایه زمان (عصر مدرن) و مکان (سرزمین ایران)** استوار بود و در این دوره فرم های سنتی و معماری گذشته ایران تنها به عنوان زینت برای ساختمان های مدرن مورد استفاده قرار نگرفت.

نادر خلیلی معمار و نویسنده کتاب "تنها دویدن" شیوه خاص **کاربرد مصالح سنتی و تلفیق آن با تکنولوژی روز** یکی از ابداعات **نادر خلیلی** است که او را به یکی از چهره های ماندگار معماری جهان تبدیل کرده است. خلیلی همچون حسن فتحی در پی احیای سازه های سنتی بوده است. اندیشه او بیش از هر چیزی متوجه انسان هاست ،‌ به حرکات و رویای آنها توجه دارد و ساده ترین و آشکار ترین چیزها به او درس میدهند.

گل وجه مشترک دیدگاه نادر خلیلی و حسن فتحی است. این دو معمار بوم گرا با شناخت خصوصیات خانه های گلی روستایی در پی احیای سنن ، آداب و رفتارهای گذشتگان هستند، آنها به سادگی و طبیعی بودن روش ساخت خود ایمان دارند.

حسین امانت معماریست عاشق فرهنگ و سنن ایرانی ، او جزو معدود معمارانیست که توانست در خارج از ایران در طیف وسیعی از آمریکا تا اروپا و خاور میانه و خاور دور کارهای بسیار مهمی به انجام رساند.

هوشنگ سیحون در معماری قبل از هر چیز علاق دارم منطق را همیشه در نظر داشته باشم. از فانتزی های بی معنی و بی مغز گریزانم.حقیقت بایستی عریان و بی پرده در معماری خودنمایی کنه ولو اگر گاهی اوقات زننده باشد. با تزییانت زیاد از حد مافقت ندارم. هیچ چیز زیادتر یا کمتر از آنچه مورد نیاز است نباید ساخته شود. سادگی و بی تکلفی را هدف خودم مییدانم. برای هریک از مصالح ارزش مخصوص به خودش را قائلم.

کامران دیبا بارها بر این نکته تاکید کرده است که **معماری هر دوران همواره پاسخی به فرهنگ آن دوران است** و معماران و هنرمندان وضعیت زمان خود را برای نسل های آینده ثبت و مستند میکنند.

وی بر این عقیده است که معماری او **"معماری انسانی"** است.

البته "معماری انسانی" برای دیبا نوع خاصی از معماری است که **در خدمت مردم و جامعه** باشد.

اون به دنبال **معماری مدرنی** است که در **تلفیق با سنت و تاریخ گرایی ایران** شکل گرفته باشد. او به دنبال تصویری آشناست که هم برخوردار از **فرهنگ بومی و محلی است و هم** **فرهنگ جهانی**.

عبدالعزیز فرمانفرمائیان همکار نادر اردلان را میتوان به حق **"پدر مهندسین مشاور ایران"** نامید.او معماریست که به **"ساخت"** می اندیشد.و این دغدغه فرمانفرمائیان را نباید بدون در نظر گرفتن **بستر اجتماعی و تکنولوژی زمانه** او ملاحظه کرد. طرح معماری برای او طرحی است که ساخته شده باشد.اعتقاد جدی به ضرورت کارکرد صحیح بنا و دقت زیاد در جزییات اجرایی از ویژگی های بارز اوست او معتقد است که هر اثر معماری باید بتواند وطیفه مورد انتظار را به درستی انجام دهد و **استفاده درست از مصالحی** که در اختیار دارد را یک اصل میداند.

**"سنت**" برای اردلان **بدون پیشرفت و تغییر معنی ندارد** او در این باره چنین میگوید:همیشه نو آوری با انقلابی در زمینه تکنولوژی همراه بوده است.بر بحث استفاده از مصالح سنتی نباید اصرار ورزید بلکه کمال در استفاده از امکانات روز توام با احترام به فرهنگ ، طبیعت و هنر، ترکیب و ساخت مد نظر است که البته اصلا کار آسانی نیست.

فلسفه طراحی و معماری اردلان را میتوان امتزاجی از طبیعت و فرهنگ در طراحی نام گذاری کرد.او معتقد است که طرح خوب در تطبیق اکولوژیکی با محیط و ارتباط فرهنگی با مردم ، قوانین و تشریفات آنها و نطام های اعتقادیشان ریشه دارد.

**بیانیه خاص نادر اردلان**

معمار ایرانی نادر اردلان **متولد 1318** خورشیدی در **تهران** است و پدر او کارمند دولت ایران در کشور آمریکا بود. به همین دلیل در آغازین سالهای زندگی و در حدود **هفت سالگی** به همراه خانوادهاش به **آمریکا مهاجرت** کرد. او **لیسانس** خود را در رشته **معماری** در سال 1961 از **انیستیتو تکنولوژی پیتسبرگ پنسیلوانیا** اخذ کرد. و بعد از آن در سال **1962** میلادی (1341 خورشیدی) **از دانشگاه هاروارد فوق لیسانس** گرفت. و پس از آن به **ایران بازگشت**. بازگشت او به ایران همزمان با **دوره پهلوی دوم** در ایران بود که یکی از دوران های شاخص **تلفیق معماری غرب و ایران** از آغاز دهه­های سی عمدتا در دهه جهل و پنجاه شمسی بوده است.

بین سال های 1343 تا 1345 خورشیدی در **شرکت ملی نفت ایران** در مسجد سلیمان مسئول معماری و مدتی هم در شرکت معماری **عبدالعزیز فرمانفرمائیان** و همکارانش به عنوان طراح ارشد مشغول به همکاری بود . در سال 1967 تا 1972 در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران به **تدریس معماری** مشغول بود . پس از آن به آمریکا رفت و در سال 1973 در **دانشگاه شیکاگو** تدریس را ادامه داد و در همین زمان بود که کتاب ارزشمند **حس وحدت**: سنت عرفانی در معماری ایران چاپ دانشگاه شیکاگو را تالیف کرد. در طول این مدت آثار مکتوب و سخنرانی­های متعددی در زمینه معماری از خود بر جای گذاشته است از جمله **تالیفات** او میتوان به آثار مهم همچون حس وحدت، **معماری بومی ایران**، **مفهوم شهرستان سنتی ایران** اشاره نمود. او هم چنین یکی از اعضای بنیان گذار **جایزه معماری آقا خان** بود و تعداد زیادی از سمینارهای آن حضور فعال داشت.

شکل گیری اندیشه ها و جهت گیری معماری او را می توان متاثر از چند عامل دانست:

**آشنایی با معماری مدرن در غرب** و اهمیت یافتن فن و دانش **و تکنولوژی** روز در شکل گیری معماری بخشی از آن مربوط به دوران اوج معماری مدرن و بخش اصلی آن شامل دوره­ای است که در غرب پیشگامان معماری مدرن از جمله لوکوربوزیه به **باز اندیشی** در آنچه **معماری مدرن** به دنیا عرضه نمود روی آوردند و افرادی نظیر لویی کان، کنزو تانگه و لئون کریر مباحث **بوم گرایی را در معماری** تاکید می نمودند.

آشنایی با بزرگان معماری چون لویی کان و یان مکهارت. **لویی کان** او را در مواجه با مفاهیم **تاریخ گرایی و روح معنوی فرهنگی معماری** قرار داد و شناخت **یان مکهارت** او را با **گرایشات به طبیعت و اکولوژی** آشنا نمود. آشنایی با **سید حسن نصر** و مطرح شدن **مباحث عرفان و معنویت اسلامی** از سوی نصر برای اردلان.

**ازدواج با لاله بختیار** دانش آموخته شهرسازی و آشنا با مطالعات اسلام و عرفان. با همکاری او به پژوهش در زمینه معماری ایران و مبانی اسلامی آن پرداخت. گذران مهمترین سالهای زندگی در آمریکا و تحصیلات آکادمیک در آنجا بازگشت به ایران را برای او به فرصتی برای اندیشیدن در مبانی اندیشه ایرانی تبدیل کرد. لاله بختیار در این باره میگوید:

ما در آمریکا بزرگ بودیم از ایران و فرهنگ ایران دور بودیم و میخواستیم فرهنگ ایران را بشناسیم. این بود که ما هر چه از غرب بلد بودیم فراموش کردیم و یا اصلا به آن چیز ها نگاه نکردیم. ما با چشم باز و جستجوگر به ایران آمده بودیم و به تدریج واقعا به فرهنگ ایران علاقه مند شدیم . وقتی که در ایران بودیم به دکتر حسین نصر که آن موقع در دانشگاه تهران بود پیشنهاد شد که تالیف کتابی در مورد ایران یعنی فلسفه واقعی معماری ایران را هدایت کند. من شاگرد کلاس های عرفان و اسلام آقای نصر بوده ام. دکتر نصر از انجا مارا میشناخت پیشنهاد کرد که ما این کار را شروع کنیم و سه سال هم به طول انجامید.

تلاش نادر اردلان برای **شناخت معماری ایرانی اسلامی** و یا به عبارت دیگر فهم معماری اسلامی ایرانی، آنها را به **مطالعه آثار به جای مانده** در تاریخ معماری ایران و **جستجو در مبانی نظری** آنها ترغیب نمود، در حقیقت نادر اردلان تلاش داشت ضمن مواجهه با آثار ایرانی اسلامی، آنها را بفهمد و از این فهم به اصول و معیاری برای طراحی معماری در عصر حاضر دست یابد. لاله بختیار در شرح این امر می گوید:

امروز در غرب جایی وجود دارد به نام مال وقتی شما آن را طی میکنید انگار بازار کاشان است. یعنی فکر مارا گرفتند و چیز امروزی درست کردند. ما هم مانده ایم با بازارهای بریده بریده که اصالت خود را از دست داده است. اصل این کتاب(حس وحدت) این بود که این چیزهای خوب را که سندی بشری است و دارای قدمت نگاه کنیم و اگر برایشان منطقی موجود بود از این روش ها استفاده کنیم و بعد شهر و ساختمان را به آن صورت بسازیم

به این ترتیب جریاناتی که به آن اشاره شد اردلان را مواجه با مساله درک معماری اسلامی ایرانی و اخذ اصول و معیار طراحی برای خلق آثاری معاصر قرار داد کتاب **حس وحدت** به عنوان حاصل تلاش برای **رسیدن از کالبد به مفهوم** و اخذ اصول و معیار برای طراحی توسط اردلان به نگارش در آمده است. در این اثر برای نخستین بار معماری اسلامی و ایرانی از زاویه فلسفه و عرفان مورد بررسی قرار گرفته است.

اردلان بر این عقیده است که با سی و سه سال تجربه ی معماری توانسته است **اصولی** را در **معماری ایران** بیابد، که این اصول منحصر به بناهای ایرانی است.

هفت اصل بیان شده ی اردلان عبارتنداز:

**1-بینش نمادین**: این معماری در پی بیان و برانگیختن حس عمیق و معنا ازلی تعالی معنوی و وحدت کل موجودات عالم در بیننده است.

**2-انطباق محیطی**: سکونتگاه های انسانی و بناهای فلات ایران با طبیعت و زمینه اقلیمی خاص خود رابطه ای هماهنگ و پایدار دارد.

**3-الگوی مثالی باغ بهشت**: مفهوم باغ به معنای خاص آن، از زمان های باستان از واژه کهن فارسی، "په اره دئسه"، به معنای باغ محصور تا زمانی که اسلام در ابتدای پیدایش، ان را در نگرش خود ادغام کرد و تا به امروز همواره الهام بخش صورت اصلی "حس مکان" در معماری ایرانی بوده است. این مفهوم، در صورت ظاهری خود به صورت ایده باغ و در صورت باطنی به صورت حیاط تجلی یافته است.

**4-نظامهای فضایی مثبت**: شیوه سنتی اسلامی در استفاده از فضا شیوه ای است درون گرا بر خلاف شیوه استفاده غربیان از فضا که در آنشی عینی عنصر مثبت است در این معماری فضا عنصر مثبت اس. به مدد هندسه و ریاضیات یک فضا مثبت مهم سلسله ای از حجم های منفی را ایجاد می کند. پیوند یک فضا با فضا دیگر اساسا بر مبنای الگویی سه بخشی ضورت می گیرد: وصل( دروازه)، گذر و اوج.

**5-مکمل بودن**: کیمیای رنگ مائه و خط این معماری را لبریز کرده است.

**6-مقیاس انسانی و مشارکت اجتماعی**: این معماری بر پایه ی مقیاس انسانی و تناسبات هندسه طلایی بدن انسان قرار گرفته است. از مقیاس اتاق تا خانه حیاط دار تا محله و شهر. سلسله مراتبی از حلقه های اتصال اجتماعی وجود دارد که فرد را با جامعه اش وحدت می بخشد.

**7-نوآوری**: این معماری با زیبایی ناب شگفت آورش ثمره ابداع و ترکیب عالی ترین فنون ساختمانی در "خلق جدید" است. تاق سهمی ساسانی ساخته شده از خرده سنگ های گوناگون در تیسفون، انقلاب در شیوه ساخت با آجر در عهد سلجوقی در گنبد خاکی مسجد جامع و ابداعات مربوط به کاشی های هفت رنگ در عهد صفوی نمونه هایی چند از نو اوری در این معماری اند.

یکی از موفق­ترین کارهای اردلان، طراحی و اجرای مرکز **مطالعات مدریت دانشگاه هاروارد** (امام صادق فعلی) است که طراحی و ساخت آن بین سال های 1970 تا 1972 بود که طرح مدرسه یادآور **الگوی باغ ایرانی** و **مدارس سنتی ایرانی** است.عنصر غالب طرح های بعدی اردلان، همچون مرکز موسیقی ایران(پروژه)، ساختمان اداری ادارهی مرکزی گروه صنعتی بهشهر و دانشگاه بوعلی سینا در همدان، گرایش تعقلی به معماری ایرانی و عنصر بارز تر آن را می­توان **هندسه** نامید. هندسه یکی از دغدغه­های اصلی اردلان است و آن را ی**کی از وجوه معماری در بعد جهانی** می­داند. و می­گوید: هندسه به ما امکان رشد از مکانی به مکانی دیگر می­دهد و شناخت هندسه، خود هنری است در قلب انسان شکوفا می­شود.

نادر اردلان در سال های پیشین به **معماری زمینه گرا و پایدار** روی آورده است. که اغلب این پروژه در کشور حوزه خلیج فارس واقع شدند و بسیاری از آن ها هنوز اجرایی نشده است.

اوج فعالیت اردلان بر میگردد به سال ابتدایی حضورش در ایران بین سال های 1967-1977 و بیشترین آثار و تالیفات را از خود به جای گذشت است و در دهه های بعدی (1978-1987) با کاهش آثار این معمار مواجه می­شویم بی­شک موثر از وقایع و اتفاقات تاریخی همزمان با این دوره همچون انقلاب ایران دانست که در پی آن بسیاری از معماران این دوره از جمله اردلان از ایران مهاجرت کردند و در دهه های بعدی که میتوان آن را دوره سوم فعالیت های اردلان دانست روند روبه پیشرفتی در فعالیت های این معمار شاهد هستیم که پای در عرصه معماری زمینه گرا و پایدار نهاده است.

منابع

* بانی مسعود امیر، **معماران معاصر ایران** (در تکاپوی بین سنت و مدرنیته)، نشر هنر معماری قرن، 1388
* -کهون، لارنس، **متن­هایی برگزیده از مدرنیسم تا پست مدرنیسم**، ویراستار فارسی عبدالکریم رشیدیان، نشر نی 1381
* نادر اردلان، لاله بختیاری، **حس وحدت** (نقش سنت در معماری ایرانی)، نشر علم معمار رویال، 1390

http://ardalanassociates.com/about/about-nader-ardalan/ -

1. - ا**رتودوکس مدرن** یک جنبش در درون [یهودیت ارتدکس](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%8C%D9%87%D9%88%D8%AF%DB%8C%D8%AA_%D8%A7%D8%B1%D8%AA%D8%AF%DA%A9%D8%B3" \o "یهودیت ارتدکس) است که تلاش برای سازگار سازی ارزش‌های یهودی و رعایت قانون یهودی، با جهان مدرن و [سکولار](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D9%84%D8%A7%D8%B1" \o "سکولار) است مدرن تلاش می‌کند ارزش‌های یهودی را با جهان سکولار و مدرن تر ترکیب کند.در [ایالات متحده](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%AA_%D9%85%D8%AA%D8%AD%D8%AF%D9%87" \o "ایالات متحده) و جهان غرب آنان را بیشتر با نام "ارتودوکس میانه‌رو" می‌شناسند. [↑](#footnote-ref-1)
2. -Charles Jencks [↑](#footnote-ref-2)
3. -**Prvyyt ego** [↑](#footnote-ref-3)
4. - رمزگان دو گانه به زبان ساده عبارت است از :نخبه/مردمی و نو / کهنه و دلایل قانع کننده ای برای به کار بردن این جفت های مخالف وجود دارد.معماران پست مدرن امروز تعلیم یافته مدرنیست ها هستند و متعهدند از تکنولوژی معاصر استفاده کنند و در عین حال با واقعیت اجتماعی جاری مواجه شوند. [↑](#footnote-ref-4)
5. - Robert Venturi [↑](#footnote-ref-5)
6. -Louis Kahn [↑](#footnote-ref-6)
7. - Alvar Aalto [↑](#footnote-ref-7)
8. - James Frazer Stirling [↑](#footnote-ref-8)